

تبریز

دکتر خسرو مرآت

شهر تبریز یکی از قدیمی‌ترین محلهای سکونت بشر بوده است و به علت شرایط مناسب همیشه در آن دیار نشانهای زندگی دیده شده است قدیمی‌ترین مطلب مربوط به شهر تبریز در کتیبه شاروخین دوم سارکی پادشاه آشور (۷۲۲-۷۰۵ ق-م) می‌باشد که آنرا شهری بزرگ و آباد و دارای باروی تودرتو آورده است و به نوشته فاستوس بیوزانه مورخ روم شرقی در سده چهارم میلادی که کتاب وی در سده پنجم بزبان ارمنی ترجمه شده است تبریز شهری آباد و یکی از مراکز درجه اول نظامی یاد شده است. به هر حال در زمان ساسانیان بخصوص در اوایل این سلسله تبریز شهری آباد و مهم بوده است ولی به دلایل مختلف مانند زلزله، بیماری و حملات دشمنان در بعضی از دورانهای تاریخ ایران این شهر، بکلی نابود گردیده است ولی مردم دلیر و پایدار آن شهر را دوباره از نو ساخته و به وجود آورده‌اند و نه تنها شهری آباد بلکه یکی از مراکز مهم تجاری، هنری و علم و دانش گردیده حمداله مستوفی قزوینی در نزهت‌القلوب ۷۴۰ قمری آورده است که تبریز به سال ۱۷۵ هجری قمری بدست زبیده خاتون دختر جعفر پسر منصور عباسی همسر هارون الرشید به وجود آمده است. و نیز در آن کتاب آورده است که باروی تبریز شش هزار گام بوده و ده دروازه داشته است:

اسامی دروازه‌های تبریز در آن زمان بشرح زیر بوده است:

- | | |
|------------------|-------------------|
| - دروازه سردرود | - دروازه ری |
| - دروازه خسروشاه | - دروازه قلعه |
| - دروازه مارمیان | - دروازه سنجانران |
| - دروازه بوبر | - دروازه سرد |
| - دروازه موکله | - دروازه ورجو |

ابن مسکویه در تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم تبریز را شهری بزرگ و مردم آنرا دلیر و توانگر دانسته است.

تبریز در دوران ایلخانیان یعنی از زمان آباقاخان (۶۸۳ هـ ق) پایتخت کشور گردید و مدتی ترقی بسیار نمود با وجود اینکه در همین زمان بر اثر وقوع زلزله بشدت آسیب دید چنان به سرعت مرمت و بازسازی شد که سه سال بعد ذکر یای قزوینی پس از بازدید از آن در کتاب آثارالبلاد نوشت باروی عظیمی دارد و یکی از مهمترین شهرهای جهان است. پس از آباقاخان پسرش احمد نکودار^(۱) و پس از او ارغونخان به پادشاهی رسیدند ارغونخان در کنار تبریز و در غرب آن شهر ارغونیه را به وجود آورد در زمان گیخاتوخان پسر ارغونخان چون حکومت با کمبود مالی روبرو گشت به تقلید از چینها و به همان نام «چاو» اسکناس چاپی انتشار داد این کار سبب شورش گردید هر چه حکومت فشار آورد موفق نگردید و بناچار کار نشر اسکناس برجیده شد (۹۴-۶۹۰) و این اولین باری است که در کشور ایران اسکناس کاغذی چاپ و انتشار یافته است.

خواجه رشیدالدین فضل الله در جامع التواریخ راجع به اسکناس کاغذی چنین آورده است: «روز شنبه نوزدهم شوال سنه ثلاث و تسعین وست مائه در شهر تبریز چاو بیرون آوردند و روان کردند و فرمان چنان بود که هر آفریده که نستاند در حال او را به یاسا رسانند. یک هفته از بیم شمشیر می ستند اما در عوض آن زیادت چیزی بکسی نمی دادند و بیشتر مردم تبریز از راه اضطرار سفر اختیار کردند و اقمشه و اغذیه از روی بازار برگرفتند چنانکه هیچ چیز یافت نبود.»

مارکوپولو نیز که مقارن همین ایام (۶۹۴ هجری، قمری) در بازگشت از چین از تبریز بازدید کرده است درباره این شهر می نویسد:

برجمعیت ترین شهر در این منطقه است مرکز مهم تجارت است پارچه ابریشم که در آن از طلا استفاده شده در این شهر بافته می شود مردم فقیرند و بیشتر مردم این شهر ارمنی آسوری، زرتشتی و گرجی هستند ولی مسلمانان اکثریت دارند. هر یک از این گروههای جمعیتی بزبان خود تکلم می کنند. در زمان غازانخان، وزیر دانشمند او خواجه رشیدالدین فضل اله همدانی^(۲) (۷۱۸-۶۴۵ هجری قمری) در دامنه کوه سرخاب

۱. اسم فوق به صورت احمد نکودار اوغول نیز در تواریخ درج شده است.

۲. خواجه رشید بن فضل... در جامع التواریخ تألیف ۷۰۴.

دانشگاهی عظیم به وجود آورد و این شهرک دانشگاهی دارای مسجد، بیمارستان، کتابخانه، ضرابخانه خانقاه دارالصنایع کارخانه بافندگی، کاغذسازی، گرمابه، کاروانسرا و بازار و باغها بوده است و خانه‌ها و آرامگاه خود خواجه نیز در همانجا قرار داشته و در حدود ۷۰۰۰ نفر دانشجو و ۴۵۰ استاد و کتابخانه‌ای با ۶۰۰۰۰ جلد کتاب بوده است. و از نامه‌هایی که خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به یکی از فرزنداناش خواجه سعدالدین حاکم قنسرین و عواصم می‌نویسد: ... در آن بیست و چهار کاروانسرای رفیع که چون خورنق منبع است و به رفعت بنا از قبه مینا گذشته و هزار و پانصد دکان... و سی هزار خانه دلکش در او بنا کردیم... کارخانه‌های شعربافی و کاغذسازی و رنگرزان و دارالضرب و غیره احداث ... و از هر شهری جماعتی آوردیم از جمله دویست نفر حافظ که بلبان چمن وحی و تنزیل و عندلیبان روضه تسبیح و تهلیل‌اند در جوار گنبد از یمین و شمال صد نفر را در کوچهای که به جهت ایشان احداث کرده بودیم ساکن گردانیدیم و ادارات این دو طایفه را تعیین فرمودیم اهل یمین را از حاصل اوقاف شیراز و اهل شمال را از حاصل اوقاف روم.

جماعت کوفیان و بصریان و واسطیان و شامیان که بعضی سبعة خوان و بعضی عشره خوان بودند و در این قسم در تمام ربع مسکون معروف و مشهور گشته فرمودیم که در دارالقرآن هر روز تا وقت ضحی به تلاوت قرآن مجید مشغول باشند و چهل نفر از غلام‌زادگان خویش را به ایشان سپردیم تا ایشان سبعة خوانی تعلیم کنند و جماعت خوارزمیان و تبریزیان و دیگر خوش‌خوانان که از اطراف و اکناف عالم صیت ما شنیده آمده بودند گفتیم که ایشان بعد از ضحی تا وقت زوال به تلاوت کلام ربانی و قرائت آیات صمدانی قیام نمایند.

و دیگر علما و فقها و محدثان چهارصد نفر در کوچهای که آن را کوچه علما خوانند متوطن ساختیم و همه را میدومات و ادارات مجری داشتیم و جامعه سالیانه و صابون‌بها و حلواها مقرر کردیم و هزار طالب هلم و فعل که هریک در میدان دانش صفدری و بر آسمان فضیلت اختری‌اند در محله‌ای که آنرا محله طلبه خوانند نشانیدیم... و شش هزار طالب علم دیگر از ممالک اسلامی به امید تربیت ما آمده بودند. در دارالسلطنه تبریز ساکن گردانیدیم و ... پنجاه طبیب حاذق که از دیار هندوچین و مصر و شام و دیگر ولایات آمده

بودند... گفتیم هر روز در دارالشفاء ما متردد باشند و پیش هر طبیبی ده کس از طالب علمان مستعد نصب کردیم تا به این فن شریف مشغول کردند و کحلان و جراحان و مجیران را که در دارالشفای ما ملازم‌اند هریک را پنج نفر از غلامان خود ملازم گردانیدیم تا ایشان را صنعت کحالی و جراحی و مجیری بیاموزند و به جهت این طایفه کوچه‌ایی که در عقب دارالشفای ماست به قرب باغ رشید آباد که آن را کوچه معالجان خوانند بنیاد فرمودیم و دیگر اهل صنایع و محترفه که از ممالک آورده. هر یک را در کوچه بی‌ساکن گردانیدیم. پس از کشته شدن خواجه رشیدالدین به سال (۷۱۸ ه. ق) این مرکز علم و دانش بدست لشکریان مغول و غارتگران خسارات بسیار دید ولی خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشید که به وزارت رسید به آبادی این منطقه اقدام نمود ولی پس از کشته شدن او ربع رشیدی برای بار دوم بدست مغول نابود گردید و دیگر از شهر آثاری باقی نماند و این شاید یکی از آخرین مراکز علم و دانش در تمدن ایران اسلامی بود که به کل از بین رفت. ابن بطوطه^(۱) نیز که به سال ۷۲۲ قمری به تبریز آمده است در باره آن چنین می‌نویسد: بازار بزرگی بنام بازار غازان دیدم این بهترین بازاری است که در شهرهای مهم جهان دیده‌ام هر یک از اصناف و پیشه‌وران در بازار مکانی برای خود دارند در بازار جواهرات و بازار مشک و عنبرفروشان چشم از دیدن این همه جنس خیره می‌گردد وی از مسجد جامعی در ارک علیشاه معروف به جیلان‌ها هم یاد می‌کند. مردم تبریز با دادن پول و اجناس قیمتی بسیار در سال ۶۱۶ هجری قمری از هجوم مغول جلوگیری نمودند در دوران سلطان محمود غازان خان به‌منتهی زیبایی و عظمت خود رسید تاج‌الدین علیشاه جیلانی مسجد بزرگ ارک علی‌شاه تبریز را بوجود آورد. (۷۳۶-۷۱۶ هجری قمری).

پس از ایلخانان مغول تبریز در زمان جلایریان و ترکمانان آق قویونلو و قره قویونلو پایتخت ایران بود در این دوران مسجد کبود که یکی از شاهکارهای معماری جهان می‌باشد بنا گردید. سال ۸۷۰ هجری مسجد کبود تبریز در زمان جهانشاه قره قویونلو بوسیله جان بیگم خاتون همسر جهانشاه بنا شد و سپس در زمان سلطان یعقوب آق قویونلو بوسیله دختر صالح خاتون تعمیراتی در آن صورت گرفت. در سالهای اخیر

اقداماتی در جهت مرمت این مسجد انجام گرفته است و ادامه دارد.

در زمان مغول تبریز دارالملک گردید غازان خان باروی تازه‌ای بنا کرد و باروی شهر ۲۵ هزار گام داشت.

چنانکه اولیاچلبی^(۱) گوید در قرن ۱۱ تبریز دارای شش دروازه بنام‌های زیر بوده است:

- | | |
|----------------|--------------------|
| - دروازه ری | - دروازه سردرود |
| - دروازه اوجان | - دروازه شام غازان |
| - دروازه سروان | - دروازه سراد |

و نه محله بنام‌های دمشقیه، پل‌باغ، میخوران، زرجو، شتربان، دیک خیابان، امیرخیز، سرخاب و چامنار ری تقسیم می‌شده است.

آخرین بار که تبریز پایتخت ایران گردید در زمان شاه اسماعیل صفوی است و تا اوایل سلطنت شاه طهماسب تبریز پایتخت ایران بود و در این دوره این شهر بارها مورد حمله دولت عثمانی قرار گرفت و بهمین دلیل پایتخت به قزوین انتقال پیدا کرد. دلیل دیگر انتقال پایتخت به قزوین این بود که مردم تبریز از مسئولین حکومتی بعلت ترک تبریز در زمان حملات عثمانی ناراضی بوده‌اند. یک بازرگان و نیز یکی شهر تبریز را در زمان شاه اسماعیل دیده - و در این باره چنین می‌نویسد: وی می‌گوید تبریز شهر بزرگ و با شکوهی می‌باشد و مثل ونیز بارو ندارد کاخهای بزرگ و خانه‌های خوب بسیار دارد.

در سال ۱۰۱۹ شاه‌عباس صفوی دژی در محل ربع رشیدی بوجود آورد تا در مقابل حملات عثمانی پایگاه مقاومتی باشد شاردان سیاح فرانسوی که در دوران شاه‌سلیمان صفوی به ایران آمده است در باره این شهر این‌طور نوشته است: بعد از اصفهان پرجمعیت‌ترین شهر ایران است وی جمعیت شهر تبریز را ۶۰۰۰۰۰ نفر ذکر کرده است. در دوران نادرشاه و بخصوص بعد از دو زلزله، خرابی بسیار در این شهر به وجود آمده است. در سال ۱۱۹۴ بارویی دور شهر به‌وجود آوردند. در دوران صفویه و قبل از آن ایران گذرگاه تجارت غرب و شرق بوده است. به‌وجود آمدن کشتی بخار و عبور کشتیها از جنوب قاره افریقا و بعدها نیز پس از حفر کانال سوئز تبریز اهمیت خود را بعنوان مرکز و گذرگاه کالا از دست داد. و این امر یکی از دلایل از دست رفتن اهمیت تجاری این شهر بوده است. شهر تبریز از زمان عباس میرزا ولیعهدنشین شاهان قاجار گردید. به‌هرحال تبریز

همیشه یکی از مهمترین شهرهای آذربادگان بوده است با وجود زلزله‌های شدید شیوع بیماریها و حملات و تاخت و تاز دشمنان ایران، و هجوم بیگانگان و انتقال صنعتگران و هنرمندان و صدمات حاصله از جنگهای اول و دوم جهانی این شهر هنوز با مقاومت و پایداری اهالی غیور آن همچنان استوار و پایدار برجای مانده است. و اطمینان است چون گذشته باز هم روزگاری مرکز علم و دانش و هنرایران گردد.

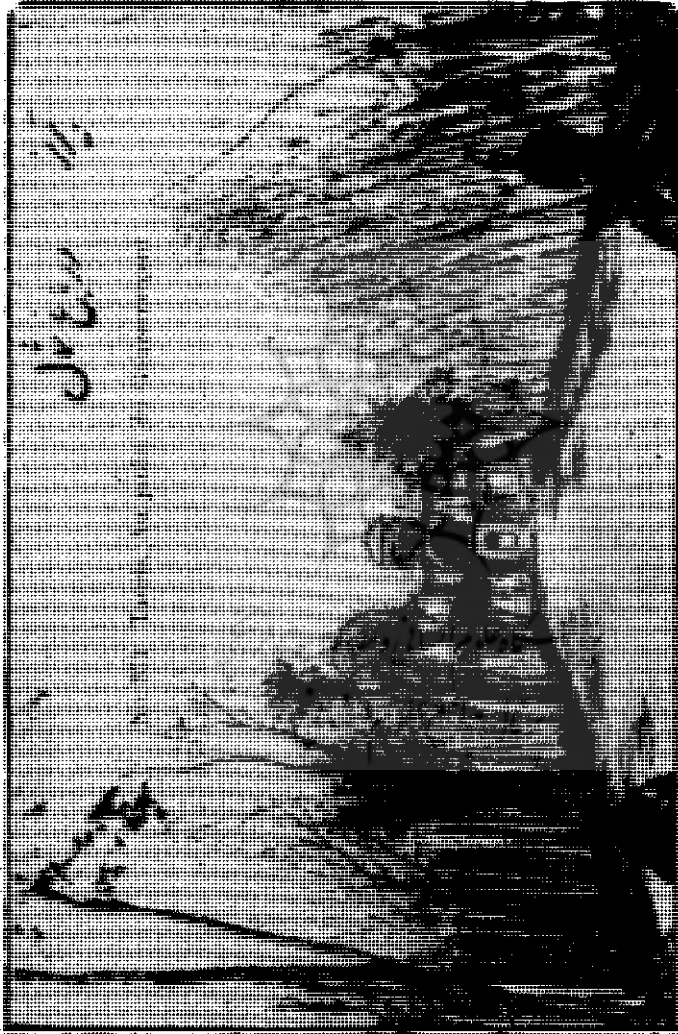
جمعیت تبریز از گذشته تا به امروز

سال	جمعیت
۷۸۰	۴۰۰,۰۰۰ تن
دوران صفویه (زمان شاه اسمعیل صفوی)	۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تن
۱۰۵۰ (۳۰۰ کاروانسرا و ۲۵۰ مسجد داشته است)	۵۵۰,۰۰۰ تن
۱۱۰۸	۳۰۰,۰۰۰ تن
۱۲۱۹	۵۰۰,۰۰۰ تن
۱۳۴۷	۱۱۰,۰۰۰ تن
۱۲۷۶	۱۸۰,۰۰۰ تن
۱۳۱۵	۲۱۹,۰۰۰ تن
۱۳۱۸	۳۶۰,۰۰۰ تن

این اطلاعات جمعیتی با استفاده از منابع داخلی و خارجی بایررسی های لازم مورد استفاده قرار گرفته است.

جمعیت شهرستان تبریز طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵

سال	جمعیت
سرشماری سازمان ثبت احوال کشور ۱۳۳۵	۵۷۵,۷۷۹ تن
سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۴۵	۸۰۹,۴۲۶ تن
سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۵۵	۱,۰۷۳,۹۱۲ تن
سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۶۵	۱,۵۲۷,۲۹۱ تن
سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۷۰	۱,۳۷۱,۹۴۲ تن



تبریز، باغ شمال در ۸۰ سال پیش

منابع:

1. LA PERSE PAR M.LOUIS DUBEAU.1841.
2. ALMNACK DE GOTHEE 1898.
3. VOYAGES DU CHEVALIER CHARDIN. PARIS 1732.
4. GONZALEZ CLAVIGGO, THE EMBASSY TO THE COURT OF, TIMUR AT SAMARKAND.
5. LONDON HCKLYERT SOCIETY 1859.
6. MARCO POLO 1845 PARIS, THOMSON - LA PERSE SA, POPULATION SES REVENUS SON ARMEE SON COMMERCE, BULLETIN DE LA SOCIETE, GEOGRAPHIQUE SERIE VOL × 7111 PARIS 1864.
7. CHARDIN VOYAGE EN PERSE ET, DISCRIPTION DE CE RAYAUME PARIS 1930.

شهرهای ایران، بکوشش محمد یوسف کیانی ۱۳۶۸، تبریز یحی ذکاء.

فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی، سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۷۱، تالیف محمد علی مخلصی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

پرتال جامع علوم انسانی